

## اهدای جنین

بحث به اینجا رسیده بود که گفتیم از برخی از ادله حرمت بعضی ملابسات و ملازمات اهدای جنین قابل استفاده است و البته منظور ما هم از ملابسات مثل لمس و نظر حرام نیست. گفتیم برخی از محرمانی که از ملابسات با مساله اهدای جنین است عبارتند از:

گم شدن نسب

نسبت دادن فرزند به کسی غیر از پدرش

الان آنچه در قانون اهدای جنین هم وجود دارد این است که نسبت نطفه به صاحب اسپرم و تخمک را گم و کور می کنند و بچه متولد شده را به نام زوجین نابارور ثبت می کنند و شناسنامه او را به همین اسم ثبت می کنند.

گفتیم از آیه سوره ممتحنه استفاده می شود که یکی از محرمان اصلی در شریعت که محور بیعت پیامبر با زنان واقع شده است، نسبت دادن فرزند دیگری به غیر شوهر است و این عمل در حال حاضر کاملاً واقع می شود. اینکه مثلاً خود شوهر هم این را بداند باعث نمی شود که این کار از افتراء و بهتان بودن خارج شود. بعید نیست مفاد این آیه این باشد که این طور فرزندآوری نکنید چون دروغ و بهتان است. تنها اشکالی که ممکن است در استدلال به این آیه مطرح بشود این است که آیه زنان را از انجام چنین عملی به صورت مخفیانه و بدون اطلاع به شوهر نهی می کند. اما به نظر می رسد این احتمال متفاهم از آیه شریفه نیست بلکه مفاد آیه این است که این کار (نسبت دادن فرزندی که از مرد نیست به او) اشکال دارد و جایز نیست.

بعد گفتیم واضح تر از این آیه شریفه، آیه ۴ و ۵ سوره احزاب است: « وَ مَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَ هُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ادْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً » کسی که از نطفه انسان نیست و فرزند خوانده او است، فرزند نیست. بعد هم می فرمایند آنها را به نام پدرانشان بخوانید و اگر پدرانشان را نمی شناسید برادران شما هستند نه فرزندان شما.

در حالی که اتفاق که الان می افتد این است که شناسنامه این فرزند را به اسم زوجی که جنین به آنها اهداء شده است صادر می کنند و بعد هم در اجتماع آن بچه را به عنوان فرزند خودشان مطرح می کنند و او را به خودشان منسوب می دانند در حالی که آیه شریفه صراحتاً از این کار نهی می کنند و اینکه باید آنها را به پدرانشان نسبت داد و حتی اگر پدرانشان هم معلوم نیستند باز هم نباید آن ها را به خودشان نسبت بدهند.

علاوه بر این آیات، روایات متعددی هم بر حرمت این دو کار دلالت دارند. از جمله:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ أَبِي الْهَلَالِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِكَبْرِ الزَّنَا قَالُوا بَلَى قَالَ هِيَ امْرَأَةٌ تُوْطِئُ فِرَاشَ رَوْحَهَا فَتَأْتِي بِوَلَدٍ مِنْ غَيْرِهِ فَتُلْزِمُهُ رَوْحَهَا فَتِلْكَ الَّتِي لَا يُكَلِّمَهَا اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيْهَا وَلَا يَرْضَاهَا عَدَابُ أَلِيمٍ» (الكافي، جلد ۵، صفحه ۵۴۳)

که البته همان احتمالی که در آیه شریفه مطرح شد در این روایت هم محتمل است.

از برخی روایات دیگر استفاده می‌شود غیر از جابجا کردن نسب، خود گم کردن نسب هم کار حرام است. اینکه کاری کنند که معلوم نشود فرد، بچه کیست حرام است. به عبارت دیگر از برخی از روایات استفاده می‌شود که به وجود آوردن بچه‌هایی که نسب آنها معلوم نیست و پدرانشان ناشناخته است غیر مشروع است.

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ الرَّضَا ع كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ عَلَيْهِ تَرْوِيجُ الرَّجُلِ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ وَ تَحْرُمُ أَنْ تَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةُ أَكْثَرَ مِنْ وَاحِدٍ لِأَنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَزَوَّجَ أَرْبَعِ نِسْوَةٍ كَانَ الْوَلَدُ مَنْسُوبًا إِلَيْهِ وَ الْمَرْأَةُ لَوْ كَانَ لَهَا زَوْجَانِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ لَمْ يُعْرِفِ الْوَلَدُ لِمَنْ هُوَ إِذْ هُمْ الْمُشْتَرِكُونَ فِي نِكَاحِهَا وَ فِي ذَلِكَ فَسَادُ الْأَنْسَابِ وَ الْمَوَارِيثِ وَ الْمَعَارِفِ (علل الشرائع، جلد ۲، صفحه ۵۰۴)

این روایت به اسناد متعدد در عیون اخبار الرضا (جلد ۲، صفحه ۸۸) هم نقل شده است.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَاجِيلَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى الْمَجَاوِرِيُّ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْبَرْقِيُّ بِالرِّيِّ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا ع كَتَبَ إِلَيْهِ فِي جَوَابِ مَسَائِلِهِ

برخی از این اسناد قابل تصحیح هستند علاوه که تظافر سندی آن خودش قابل توجه است.

این روایت در مقام تعلیل این است که چرا زن نمی‌تواند در زمان واحد بیشتر از یک شوهر داشته باشد و از آن استفاده می‌شود که ممنوعیت این کار به خاطر همین است که این کار به ایجاد بچه‌هایی منجر می‌شود که پدر آنها معلوم نیست و مستلزم فساد انساب و موارث و معارف (یعنی معلوم نیست به چه کسی باید شناخته شود) است. پس شارع فرزندآوری را جایز می‌داند که فرزند متولد شده معلوم باشد از چه کسی است نه اینکه نسبت او گم شده باشد. و لذا حتی اگر برای چنین بچه‌هایی شناسنامه بدون اسم پدر و مادر هم ایجاد کنند باز هم همین مشکل در آنها وجود دارد. بلکه اگر زمانی علم به نحوی پیشرفت کند که بتوانند بدون نطفه انسان، بچه به وجود بیاورند این روایت بر حرمت آن کار دلالت نمی‌کند بلکه این روایت بر حرمت تولید کردن بچه‌هایی دلالت دارد که با اینکه پدری دارند اما پدر او مشخص نباشد.

باید دقت کرد که آنچه در روایت ذکر شده است علت تامه است اما علت منحصر نیست و از روایات دیگر استفاده می‌شود که حتی اگر این علت وجود نداشته باشد با این حال ازدواج هم زمان یک زن با بیش از یک مرد حرام است.

هم چنین از برخی روایات استفاده می‌شود که نسبت دادن کسی به غیر پدرش حرام است. هم چنین خود شخص هم نمی‌تواند خودش را به غیر پدرش نسبت بدهد. عنوان سوم حرام این است که کسی خودش را از پدر واقعی‌اش نفی کند. هم چنین دیگران نیز حق ندارند کسی را از پدرش نفی کنند. این امور هر کدام عناوین مستقلی هستند که حرام هستند لذا اگر کسی فرزند زید را به عمرو نسبت بدهد دو کار حرام کرده است یکی اینکه او را از پدرش نفی کرده است و دیگری اینکه او را به غیر پدرش نسبت داده است.

در اهدای جنین بسیاری از این عناوین حرام محقق می‌شود. یعنی هم زوجینی که جنین به آنها اهدا می‌شود بچه را از پدر واقعی‌اش نفی می‌کنند، هم کسی که صاحب اسپرم است، در حقیقت بچه‌ای که بعداً از نطفه او متولد می‌شود را از خودش نفی می‌کند.

روایاتی که بر حرمت نفی نسب محقق دلالت دارند یعنی اینکه کسی خودش را از پدر واقعی‌اش نفی کند:

عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَفَرَ بِاللَّهِ مَنْ تَبَرَّأَ مِنْ نَسَبٍ وَ  
إِنْ دَقَّ

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:  
كَفَرَ بِاللَّهِ مَنْ تَبَرَّأَ مِنْ نَسَبٍ وَإِنْ دَقَّ

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَابْنِ فَضَّالٍ عَنِ رِجَالِ شَيْئٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ وَابِي عَبْدِ  
اللَّهِ ع أَنَّهُمَا قَالَا كَفَرَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ الْإِنْتِفَاءُ مِنْ حَسَبٍ وَإِنْ دَقَّ (الكافي، جلد ۲، صفحه ۳۵۰)

کسی که از نسب خودش تبری بجوید کافر است حتی اگر آن نسبت خیلی باریک و دقیق باشد. بعید نیست منظور از دقت نسب دور بودن نسب است یعنی مثلاً فرد حق ندارد خودش را از جد دهمش هم نفی کند. و نسب هم فقط پدر و فرزندی نیست بلکه حتی مثل برادر و خواهر و پسر عمو و ... هم نسب هستند. لذا کسی که بگوید من برادر فلانی یا پسر عموی فلانی نیستم در حالی که واقعا برادر او است مشمول این روایات است.

البته روشن است که کفر به خدا در این روایات کنایه از بزرگی گناه و معصیت است نه اینکه منظور کفر اصطلاحی باشد.